

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده حکمت معاصر  
گروه پژوهشی حکمت معاصر

رساله دکتری رشته حکمت متعالیه  
( تحلیل انتقادی مادیت ادراک با تکیه بر آراء صدرالمتهین )

استاد راهنما:  
دکتر هادی وکیلی

استادان مشاور:  
دکتر اعظم قاسمی  
دکتر مهدی معین زاده

پژوهشگر:

محمد فروغی

تیر ۱۳۹۶

## صفحه ارزیابی رساله

## سپاس‌گزاری

خدای متعال را شاکرم که به این حقیر توفیق داد تا به تحصیل علوم عقلی بپردازم. بعد از آن باید از پدر و مادر عزیزم که در تمام مسیر زندگی و علی-الخصوص در این مسیر سخت همواره با دعای خیرشان بنده را همراهی کردند، تشکر نمایم.

بی‌شک اگر صبر و همدلی و همراهی همسر عزیزم نبود، موفق به تکمیل این رساله نمی‌شدم، جا دارد در اینجا از این عزیز تشکر ویژه به عمل بیاورم.

قطعاً اگر زحمات و راهنمایی‌های اساتید راهنما و مشاور نبود این کار به سرانجام نمی‌رسید، همچنین جا دارد که تشکر هم داشته باشم از آقای دکتر که‌نسال به خاطر راهنمایی‌های بی‌دریغشان.

## تقدیم

این حقیر به رسم آن اعرابی که آبِ شور در کوزه کرد و برای خلیفه به ارمغان برد، این وجیزه را تقدیم می‌کنم به محضر مولا و سرور و ولی نعمتم علی ابن موسی‌الرضا (علیه آلاف التحیة و الثناء) و سید و مقتدایم اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و بیان می‌دارم که:

«يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ».

## چکیده

در این پژوهش ابتدا اصول کلی استدلال‌های طرفداران مکاتب فیزیکیالیستی فلسفه ذهن بررسی می‌شود، سپس این دلایل دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. هدف پژوهش این است که به نقد و تحلیل دلایل اقامه‌شده برای نظریات فیزیکیالیستی با کمک گرفتن از اصولی که در حکمت متعالیه برای بیان تجرد نفس استفاده شده‌است، بپردازد؛ به‌گونه‌ای که دریابیم که اگر مرحوم صدرالمتالهین زنده بود چه پاسخی به دلایل اقامه‌شده برای اثبات مادیت ادراک می‌داد. برای نیل به این مقصود ابتدا همه دلایل صدرالمتالهین در خصوص تجرد نفس – اعم از نفس حیوانی و نفس انسانی – احصاء شده، سپس دلایل ضعیف یا ناکارآمد حذف شده و نهایتاً دلایل دسته‌بندی شده و اصول کلی صدرالمتالهین برای تجرد نفس را استخراج می‌نماییم. در پایان با استفاده از اصول کلی استخراج‌شده، به دلایل مادیت ادراک پاسخ می‌دهیم؛ و سرانجام برای نیل به این مقصود که پژوهش حالت عملیاتی و به‌روز به خود بگیرد، یک نمونه کاربردی از هوش مصنوعی که در سال‌های اخیر به شبیه‌سازی ادراک بصری انسان پرداخته است، معرفی شده و تحلیل فلسفی می‌گردد.

نتیجه‌ای که در پایان پژوهش گرفته شد این بود که سه دلیلی عمده‌ای که در جبهه مادیت ادراک وجود دارد با در نظر گرفتن اصل واحد تشکیکی بودن نفس ناطقه با تجرد نفس صدرایی سازگاری دارد، ولی با تجرد نفس سینوی و دیدگاه دوگانه‌انگاری جوهری سازگاری ندارد. همچنین نشان دادیم که با توجه به پیشرفت‌های دانش هوش مصنوعی، نگاه کارکردگرایی در بین سایر نگاه‌ها به مسئله ذهن و بدن از وجاهت بیشتری برخوردار است؛ و حتی برهان اتاق چینی هم نمی‌تواند ضربه محکمی به مباحث هوش مصنوعی و کارکردگرایی بزند. نهایتاً نتیجه‌گیری می‌شود که در دو جبهه تجرد ادراک صدرایی و مادیت ادراک هیچ جبهه‌ای تا به امروز نتوانسته است دلایلی متقن و غیرقابل‌انکار ارائه دهد.

## کلیدواژه‌ها

تجرد نفس، مادیت ادراک، دوگانه‌انگاری، فیزیکیالیسم، مراتب نفس ناطقه

## فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۸	۱- فصل اول: کلیات
۸	۱-۱- بخش اول: کلیات تحقیق
۸	۱-۱-۱- مقدمه
۱۰	۱-۲- ضرورت پژوهش
۱۱	۱-۳- پیشینه پژوهش
۱۲	۱-۴- روش انجام پژوهش
۱۳	۱-۵- سؤالات پژوهش
۱۴	۱-۶- فرضیه‌های پژوهش
۱۶	۲- بخش دوم: ادبیات پژوهش
۱۶	۱-۲-۱- مادی و مجرد
۱۶	۱-۱-۲-۱- مقدمه
۱۷	۲-۱-۲-۱- تعریف فیزیکی ماده
۱۸	۳-۱-۲-۱- فرق ماده در فلسفه با ماده در فیزیک
۱۸	۴-۱-۲-۱- تبدیل ماده به انرژی و انرژی به ماده
۱۹	۵-۱-۲-۱- تعریف مجرد و مادی به بیان استاد مطهری
۲۰	۶-۱-۲-۱- تعریف مجرد و مادی به بیان مصباح یزدی
۲۱	۷-۱-۲-۱- تقریر عبودیت از تعریف مجرد و مادی در حکمت سینوی و صدرایی
۲۱	۱-۷-۱-۲-۱- تعریف امر مادی
۲۱	۲-۷-۱-۲-۱- تعریف امر مجرد
۲۲	۳-۷-۱-۲-۱- تلازم مادیت با جسمانیت
۲۲	۴-۷-۱-۲-۱- تعریف مادی با استفاده از ویژگی‌های جسم
۲۲	۵-۷-۱-۲-۱- تعریف مجرد با استفاده از ویژگی‌های جسم
۲۲	۶-۷-۱-۲-۱- ویژگی‌های جسم طبیعی
۲۳	۷-۷-۱-۲-۱- ویژگی‌های جوهر مجرد عقلی
۲۳	۸-۱-۲-۱- مقایسه تعریف مجرد و مادی نزد ابن‌سینا و صدرالمتهین
۲۴	۹-۱-۲-۱- تقریر عبدالرسول عبودیت از مواضع اختلاف نظر صدرا با ابن‌سینا
۲۵	۱۰-۱-۲-۱- جمع‌بندی دیدگاه صدرا و ابن‌سینا
۲۸	۲-۲-۱- تعریفی جدید برای امر مادی و مجرد

۲۸	۱-۱-۱-۱	بررسی سازگاری منطقی تعریف به حصر عقلی با «طیف وار بودن»
۲۸	۲-۱-۱-۱	تقسیم به حصر عقلی
۳۰	۳-۱-۱-۱	اثبات ادعا با استفاده از درخت تصمیم
۳۰	۴-۱-۱-۱	دفع دخل مقدر
۳۱	۵-۱-۱-۱	جمع بندی
۳۱	۶-۱-۱-۱	منطق فازی
۳۳	۷-۱-۱-۱	مجموعه های سنتی
۳۳	۸-۱-۱-۱	مجموعه های فازی
۳۴	۹-۱-۱-۱	بهره گیری از منطق فازی در تعریف مجرد و مادی
۳۴	۱۰-۱-۱-۱	ضابطه مجرد
۳۵	۱۱-۱-۱-۱	متمم یک مجموعه
۳۶	۱۲-۱-۱-۱	جمع بندی
۳۸	۲-۱-۱	ادراک
۳۸	۱-۲-۱-۱	ادراک از نظر صدرالمتهین
۳۸	۲-۲-۱-۱	تعریف آگاهی
۳۹	۳-۲-۱-۱	تفاوت ادراک با آگاهی
۳۹	۴-۲-۱-۱	غرض ما از «مادیت ادراک»
۴۱	۲	فصل دوم: آراء و مبانی صدرالمتهین در باب مجرد ادراک
۴۱	۱-۲	مقدمه
۴۱	۲-۲	استدلال اول
۴۲	۳-۲	استدلال دوم
۴۴	۱-۳-۲	دلیل اول بر اقتضای علم به نفس مر مجرد را
۴۴	۲-۳-۲	دلیل دوم بر اقتضای علم به نفس مر مجرد را
۴۵	۳-۳-۲	بررسی دو دلیل
۴۵	۴-۲	استدلال سوم
۴۵	۱-۴-۲	تعریف آزمایش ذهنی
۴۶	۲-۴-۲	تحلیل حجیت آزمایش ذهنی
۴۷	۳-۴-۲	تحلیل برهان انسان معلق در فضا
۴۸	۵-۲	استدلال چهارم
۴۸	۱-۵-۲	کلی طبیعی
۴۸	۶-۲	استدلال های پنجم تا چهاردهم
۵۸	۷-۲	احصاء اصول مشترک استفاده شده در براهین مجرد نفس



۵۸	حذف استدلال‌های ضعیف	۸-۲
۵۸	تحلیل برهان‌های اول تا چهاردهم	۹-۲
۶۳	حذف برهان‌های ناکارآمد	۱۰-۲
۶۳	جمع‌بندی اصول مشترک و مورد اعتنای استفاده‌شده در مجرد	۱۱-۲
۶۴	فصل سوم: مبانی معتقدان به مادیت ادراک	۳-
۶۴	مقدمه	۱-۳
۶۵	طرح مسئله	۲-۳
۶۵	حالات ذهنی	۳-۳
۶۶	مختصات حالات ذهنی	۴-۳
۶۷	دوگانه‌انگاری	۵-۳
۶۷	دوگانه‌انگاری جوهری	۶-۳
۶۸	دوگانه‌انگاری عامه‌پسند	۷-۳
۶۸	دوگانه‌انگاری خاصه‌ای	۸-۳
۶۹	براهین علیه دوگانه‌انگاری	۹-۳
۶۹	برهان سادگی دیدگاه فیزیکیالیستی	۱-۹-۳
۶۹	برهان ناتوانی تبیین دیدگاه دوگانه‌انگاری	۲-۹-۳
۷۰	برهان وابستگی عصبی	۳-۹-۳
۷۱	برهان تاریخ تکاملی	۴-۹-۳
۷۱	برهان تأثیر روان‌گردان‌ها بر آگاهی	۵-۹-۳
۷۲	برهان مغز دوپاره	۶-۹-۳
۷۵	نظریات فیزیکیالیستی	۱۰-۳
۷۵	رفتارگرایی فلسفی	۱-۱۰-۳
۷۵	ماتریالیسم تحویل‌گرا (نظریه این‌همانی)	۲-۱۰-۳
۷۶	استدلال‌های له دیدگاه این‌همانی	۳-۱۰-۳
۷۶	کارکردگرایی	۴-۱۰-۳
۷۷	ماتریالیسم حذف‌گرا	۵-۱۰-۳
۷۷	استدلال‌های له دیدگاه ماتریالیسم حذف‌گرا	۶-۱۰-۳
۷۹	بیان اصول کلی استفاده‌شده در استدلال‌ها	۱۱-۳
۷۹	تحلیل استدلال‌ها	۱۲-۳
۷۹	تحلیل برهان سادگی دیدگاه فیزیکیالیستی	۱-۱۲-۳
۸۰	تحلیل برهان ناتوانی تبیین دیدگاه دوگانه‌انگاری	۲-۱۲-۳
۸۲	تحلیل برهان تاریخ تکاملی و برهان وابستگی عصبی	۳-۱۲-۳

۸۳	تحلیل برهان تأثیر روان‌گردان‌ها بر آگاهی و برهان مغز دوپاره	۳-۱۲-۴
۸۴	رفع استبعاد با ذکر مثال انسان دوسر	۳-۱۲-۵
۸۵	تحلیل دلیل مغز دوپاره	۳-۱۲-۶
۸۶	جمع‌بندی	۳-۱۳
۸۷	فصل چهارم: یک مثال کاربردی: ادراک بصری در هوش مصنوعی	۴-۱۳
۸۷	مقدمه	۴-۱
۸۷	چرایی ذکر هوش مصنوعی به‌عنوان نمونه کاربردی	۴-۲
۸۸	فصل ممیز انسان از سایر حیوانات	۴-۳
۸۸	تعریف هوش مصنوعی	۴-۴
۸۹	چهار رویکرد به تعریف هوش مصنوعی	۴-۵
۸۹	تفکر انسان‌وار: رویکرد مدل‌سازی شناختی	۴-۵-۱
۸۹	رفتار انسان‌وار: آزمون تورینگ	۴-۵-۲
۹۱	تفکر عاقلانه (منطقی)	۴-۵-۳
۹۱	رفتار عاقلانه (منطقی): رویکرد عامل منطقی	۴-۵-۴
۹۳	نورون‌ها و شبکه‌های عصبی کلاسیک	۴-۶
۹۵	شبکه عصبی چگونه آموزش داده می‌شود؟	۴-۷
۹۶	دو پارادایم کلی	۴-۸
۹۶	سامانه‌های خبره	۴-۹
۹۷	معماری یک سامانه خبره	۴-۱۰
۹۸	نورون خبره	۴-۱۱
۱۰۱	سیستم CHILDREN	۴-۱۲
۱۰۴	توضیح مختصر لایه‌های سیستم CHILDREN	۴-۱۳
۱۰۶	نتیجه‌گیری پژوهش آقای ساچلاری	۴-۱۴
۱۰۶	تحلیل فلسفی پژوهش صورت گرفته	۴-۱۵
۱۰۷	استدلال اتاق چینی	۴-۱۶
۱۰۹	رد استدلال اتاق چینی سِرل با یک آزمایش ذهنی	۴-۱۷
۱۱۱	فصل پنجم: بحث، تفسیر و نتیجه‌گیری	۵-۱۱۱
۱۱۱	مقدمه	۵-۱
۱۱۱	جمع‌بندی دلایل قابل‌اعتنا در طرفین نزاع	۵-۲
۱۱۱	داوری	۵-۳
۱۱۲	تحلیل دلیل وابستگی عصبی	۵-۴
۱۱۲	تحلیل دلیل مغز دوپاره	۵-۵

۱۱۳	..... تحلیل دلیل تأثیر روان گردان‌ها بر آگاهی	۵-۶-
۱۱۳	..... نتیجه‌گیری	۵-۷-
۱۱۴	..... موضع نهائی پژوهشگر	۵-۸-

منابع فارسی

منابع عربی

منابع انگلیسی

## فهرست تصاویر

- شکل ۱: نمونه نمودار درختی برای تقسیم حاصر ..... ۲۹
- شکل ۲: پردازش اطلاعات یک نورون ..... ۹۵
- شکل ۳: معماری سیستم خبره ..... ۹۷
- شکل ۴: ساختار نورون خبره ..... ۹۹
- شکل ۵: جریان داده نورون خبره ..... ۱۰۰
- شکل ۶: نمای معماری سیستم CHILDREN ..... ۱۰۳
- شکل ۷: ماتریس سلول‌های گرافیکی ..... ۱۰۴
- شکل ۸: نمونه‌ای از خروجی نورون تشخیص شکل ..... ۱۰۵

## پیشگفتار

مدتهاست که یکی از دغدغه‌های اصلی نگارنده مسئله تجرد نفس و مسائل مرتبط با آن و همچنین مباحث فلسفه ذهن معاصر بوده است، این رساله بهانه‌ای شد برای پرداختن به یک دل-مشغولی قدیمی؛ در این رساله سعی شده ابتدا در فصل اول به بررسی دقیق مادیت و تجرد و خصوصاً تعاریف ارائه شده برای آن‌ها - که چنان‌که خواهیم دید تعاریف ارائه شده برای مادیت و تجرد به یکدیگر وابسته هستند - پردازیم.

در فصل اول رساله بعد از بررسی تعاریف موجود، با کمک گرفتن از منطق فازی سعی می‌کنیم که تعریفی جدید از امر مادی و مجرد ارائه دهیم که با ساختار طیف‌وار نفس انسانی که به بیان صدرالمتهلین یک واحد شخصی مشکک است و یک سر آن ماده جسمانی است و با عبور از مراتب تجرد نباتی، تجرد حیوانی و تجرد انسانی در اوحدی از ناس به تجرد عقلی هم می‌رسد، سازگارتر باشد.

از آنجایی که هدف رساله تحلیل انتقادی دلایل مادیت ادراک با کمک گرفتن از نظرات صدرالمتهلین است، در فصل دوم سعی شده همه دلایلی که صدرالمتهلین در خصوص تجرد نفس - اعم از تجرد نفس حیوانی و تجرد نفس انسانی - ارائه کرده است، ذکر شود و احیاناً دلایلی که با توجه به طبیعیات قدیم معتبر بوده ولی با پیشرفت‌های کنونی زیست‌شناسی و عصب‌شناسی و فیزیولوژی و سایر علوم مرتبط، دیگر اعتبار ندارند حذف شود؛ سپس به استخراج اصول مشترک به‌کاررفته در این استدلال‌ها پردازیم.

فصل سوم رساله اختصاص دارد به بررسی دلایلی که مکاتب یگانه‌انگار برای دفاع از ادعای خود اقامه کرده‌اند؛ و همچنین بررسی دلایلی که همان‌ها برای رد دیدگاه دوگانه‌انگار آورنده‌اند. در این فصل بعد از طرح استدلال‌های مختلف به دسته‌بندی آن‌ها پرداخته و نهایتاً قوت و ائقان هر دسته را بررسی خواهیم کرد.

فصل چهارم را شاید بتوان یکی از نقاط قوت این رساله دانست، در این فصل به بررسی و تحلیل فلسفی یک نمونه کاربردی از هوش مصنوعی که ادراک بصری انسان را با استفاده از یک سامانه ترکیبی از شبکه‌های عصبی مصنوعی و سامانه‌های خبره شبیه‌سازی می‌کند، می‌پردازیم. نهایتاً در فصل پنجم سعی شده که با استفاده از اصول مشترکی که در فصل سوم به دست آمده است، به دلایلی که در فصل دوم جمع‌بندی و تنقیح شده‌اند پاسخ داده شود، اهتمام محقق بر آن است که پاسخ‌ها به گونه‌ای باشد که اگر مرحوم صدرالمتهلین زنده بود، همان پاسخ را می‌داد؛ و این مهم میسر نمی‌شود مگر با کمک گرفتن از اصول کلی که در فصل سوم احصاء شده است؛ و در پایان به جمع‌بندی یافته‌های پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱- بخش اول: کلیات تحقیق

۱-۱-۱- مقدمه

حکمت متعالیه یک دستگاه فلسفی منسجم است؛ و نقطه قوت این‌گونه دستگاه‌های فلسفی منسجم، عیناً نقطه‌ضعف آن‌ها نیز هست. پیوستگی این‌گونه نظام‌های فلسفی سبب می‌شود که بسیار استوار و منسجم باشند، از سوی دیگر اگر خطایی یا خللی در یکی از مقدمات اصلی و اصول بنیادی این نظام‌ها رخ دهد، به دلیل انسجام و وابستگی اجزاء نظام به یکدیگر، این خطا به تمام سیستم فلسفی سرایت خواهد کرد. بر این اساس اگر در مسئله علم (و به تبع آن مسئله ادراک) که یکی از مباحث اصلی فلسفه اسلامی است، رخنه‌ای افتد قطعاً این رخنه به تمام مباحث حکمت متعالیه سرایت خواهد کرد. به عنوان نمونه صدرالمتهلین از تجرد علم، تجرد عالم را نتیجه گرفته لذا نفی تجرد علم ضربه سختی بر مبحث تجرد نفس خواهد بود. این صدمه به نحو مستقیم یا غیرمستقیم در بخش‌های دیگر فلسفه صدرایی نیز آشکار خواهد شد.

از سوی دیگر پیشرفت‌های جدید علمی در زمینه‌های عصب‌شناسی و هوش مصنوعی و تأثیر این پیشرفت‌ها در فلسفه ذهن، به‌طور جدی راه را برای اشکال بر تجرد ادراک گشوده است و چنین می‌نماید که هیچ مانعی در مادی بودن ادراک نیست. بر این اساس پژوهش در باب قوت و ضعف دلایل مادیت و تجرد ادراک ضروری است؛ چراکه اگر تجرد ادراک زیر سؤال برود، آن دسته از دلایل حکمت متعالیه که در خصوص تجرد علم اقامه شده است هم زیر سؤال خواهد رفت.

در این پژوهش تأکید بر سنجش و ارزیابی دلایل قائلین به مادیت ادراک است و در حیطه تجرد یا مادیت علم به‌طور خاص وارد نخواهیم شد و آشکار است که طریقه پاسخ گفتن به دلایل مادیت ادراک مبنی بر حکمت متعالیه خواهد بود و به طریق استلزام ناگزیر از ورود به دلایل تجرد مطرح‌شده در حکمت متعالیه خواهیم بود؛ اما از آنجاکه موضوع پژوهش اولاً و بالذات بررسی و نقد دلایل مادیت ادراک است، اگر دلایل کافی در نقد مادیت ادراک اقامه شد، دیگر نیازی به ورود مستقل به دلایل تجرد ادراک یا تجرد علم صدرایی نخواهد بود.

نکته دیگر این است که چون هدف رساله بررسی دلایل مادیت ادراک است، جریان ویژه‌ای در فلسفه ذهن مراد نیست، بلکه از هر یک از جریان‌های فلسفه ذهن که در خصوص اثبات مادیت ادراک یا رد تجرد ادراک، دلیل درخور توجهی آورده‌اند، در حد توان پژوهشگر استفاده خواهد شد. برای این منظور مبانی مشترک استفاده‌شده در استدلال‌های قائلین به مادیت ادراک و همچنین مبانی صدرایی به‌صورت سؤالات اصلی پژوهش مطرح شده است. همچنین گرچه کوشش آن است که در مقام نقد از حکمت متعالیه استفاده شود، اما اگر در جهت اثبات تجرد، دلیل دیگری از منابع

دیگری موجود باشد، از آن استفاده خواهد شد؛ زیرا هدف اصلی رساله لزوماً دفاع از حکمت متعالیه نیست، بلکه نقد مادیت ادراک است و ممکن است دلایلی از سوی محققان دیگر در این خصوص اقامه شده باشد که در حکمت متعالیه وجود نداشته باشد.

ذکر نکته‌ای دیگر ضروری است: برای پیشگیری از گسترده شدن بی‌رویه تحقیق در خصوص هر یک از دلایلی که از سوی معتقدان به مادیت ادراک اقامه شده است، تنها به قوی‌ترین تقریر از دلیل مذکور بسنده خواهد شد و از اختلافات و تقریرهای دیگر در این باب سخن به میان نخواهد آمد، مگر این که نکته علمی جدید و قابل تأملی در آن وجود داشته باشد.

پژوهش جاری از یک سو ریشه در حکمت متعالیه دارد و از سوی دیگر (به دلیل سابقه تحصیلی پژوهشگر) ریشه در فلسفه ذهن و هوش مصنوعی. مزیت این‌گونه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بر کرسی پوشیده نیست، ولی عیوبی هم دارند؛ از این عیوب می‌توان به این مسئله اشاره کرد که این‌گونه پژوهش‌ها چون دارای دو یا چند جنبه هستند، ادبیاتی ناهمگون دارند و برای مثال قسمتی که در پژوهش به بیان مبانی هوش مصنوعی یا مطالب مرتبط با عصب‌شناسی می‌پردازد، برای یک محقق حوزه حکمت متعالیه نامأنوس و غریب است؛ به همین ترتیب مباحث حکمت متعالیه برای مخاطبین فلسفه ذهن و هوش مصنوعی نامأنوس و ثقیل می‌نماید.

شاید بتوان گفت نقص اشاره‌شده که تا حدودی از لوازم و تبعات پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است و قابل اجتناب نیست که البته سخن صحیحی است. از این رو با علم به اینکه نمی‌توان نقیصه مذکور را بالکل رفع نمود، سعی کرده‌ایم که در قسمت بیان ادبیات موضوع با مرور مقدمات مباحث هوش مصنوعی و فلسفه ذهن تا حدودی اشکال را تعدیل کنیم.

نکته دیگر که لازم به ذکر است، تصریح به موضع پژوهشگر در خصوص منطق فازی و منطق ارسطویی است، باینکه در فصل اول سعی شده با استفاده از منطق فازی تعریفی جدید برای امر مادی و مجرد ارائه گردد، ولی باین‌وجود پژوهشگر خود را ملزم به تبعیت از منطق ارسطویی می‌داند. باین‌همه منطق فازی در مسئله طیف‌وار بودن حقیقت واحد ذومراتب نفس انسانی کاربرد خود را خواهد داشت.

شاید این امر در نگاه اولیه تناقض نما باشد، ولی ذکر این نکته لازم است که منطق فازی صرفاً برای امری طیف‌وار مانند نفس ناطقه انسانی که واحد شخصی مشکک و ذومراتب است، مناسب بوده و پژوهشگر در سایر قسمت‌های پژوهش، خصوصاً در مواجهه با براهین به اصول منطق ارسطویی پایبند است.

مسئله دیگری که لازم است در مقدمه بدان تصریح گردد این است که ممکن است ایراد گرفته شود که نمی‌توان پژوهش فلسفی را با مبانی علمی رد یا تأیید کرد. در پاسخ به این اشکال باید گفت که مسائل فلسفه را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی مسائل تماماً فلسفی

که هیچ مقدمه علمی (علم به معنی science یا معنی طبیعیات قدیم) و دیگری مسائلی که مقدمات یا اصول موضوعه علمی دارند.

همچنین لازم است خاطرنشان شود که پژوهشگر به تفاوت‌های پارادایمی بین نگاه فلسفه ذهن معاصر و روش حکمی صدراپی واقف است و به دلیل وجود همین شکاف پارادایمی سعی شده است با احصاء مبانی و اصول طرفین (هم مبانی صدراپی در تجرد نفس و هم مبانی قائلان به مادیت ادراک) این شکاف را به حداقل رساند.

در خصوص مسائلی از فلسفه که بعضی مقدمات یا اصول موضوعه آن‌ها علمی است، مسئله خیلی ساده و سراسر است، با پیشرفت دانش بشری و تغییر آن مقدمات باید در براهین و مسائل ذکرشده را بازبینی کرد. مسئله نفس یکی از همین موارد است و (چنان‌که در فصل سوم پژوهش خواهیم دید) خیلی از براهین اقامه‌شده برای اثبات تجرد نفس مبتنی بر دانش علمی زمان صدرالمتالهین است و در زمان حال باید مجدداً بازبینی شود و احیاناً دیگر از اتقان کافی هم برخوردار نیستند. دقت شود که در این موارد بحث اصلاً فلسفی نیست که شخص ایراد بگیرد علم نمی‌تواند مبانی فلسفی را رد یا تأیید کند. برعکس، بحث تماماً علمی است و در زمان صدرالمتالهین طبیعیات قدیم گزاره‌ای علمی بیان کرده و صدرا آن را به‌عنوان یکی از مقدمات برهان خود استفاده کرده است؛ و امروزه با پیشرفت دانش زیست‌شناسی و عصب‌شناسی آن مقدمه دیگر صادق نیست.

اما در خصوص آن دسته از مسائل فلسفه که هیچ مقدمه علمی ندارند: بازهم ممکن است علم جدید بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد. به این صورت که علم در خصوص یک برهان تماماً فلسفی که هیچ مقدمه علمی ندارد و ثابت می‌کند که فی‌المثل الف ب است، مثال نقضی بیاورد از یک مصداق الف که ب نیست! در این‌گونه موارد باید به مثال نقض علم توجه کرد و حداقل واکنشی که فیلسوف لازم است داشته باشد این است که برهان خود را با توجه به یافته‌های جدید علمی مجدداً شرح دهد و احیاناً تفسیر و تأویل جدیدی از آن ارائه دهد که با یافته جدید سازگار باشد.

### ۱-۲-۱- ضرورت پژوهش

پیوستگی و انسجام نظام حکمت متعالیه، اثبات برهانی مسائل آن را طلب می‌کند. به‌ویژه مباحثی که در اثبات بخش‌های دیگر، نقش اساسی‌تری دارند. مسئله علم از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین مباحث حکمت متعالیه است و مباحث فراوانی بر آن مبتنی است. از سوی دیگر مسئله ادراک و علم، مورد پژوهش مستقیم برخی از علوم نیز قرار دارد، از این‌رو ضعف و استواری این مبحث در همه علوم که به نحوی با علم و ادراک سروکار دارند مؤثر خواهد بود.

به‌عنوان نمونه برخی از مباحثی که با اثبات مادیت ادراک در معرض تغییر اساسی، تجدیدنظر جدی یا ابطال قرار خواهند گرفت عبارت‌اند از:



۱. تجرد نفس: گرچه همه دلایل تجرد نفس مبتنی بر تجرد ادراک نیستند، اما استدلال‌های مهمی مانند استدلال علم حضوری و نیاز علم مجرد به قابل مجرد، مخدوش خواهند شد. در پی آن مسئله بسیار مهم علم انسان به خود که مورد توجه روان‌کاوان نیز هست، مورد خدشه خواهد بود.
۲. اثبات مجرداتی مانند ارباب انواع و عقل فعال، به نحوی مبتنی بر تجرد علم است؛ زیرا مثلاً دلیل آورده شده که چون صورت علمی مجرد است فاعل آن هم باید مجرد باشد. نیز مباحثی که هم به کلام و هم به فلسفه مرتبطاند (از قبیل حقیقت وحی) محل تغییر جدی یا بررسی مجدد خواهد بود زیرا تحلیل حکمای ما از این مباحث بر مبنای تجرد علم و تجرد محل علم است.
۳. اتحاد نفس با مدرکات خود ابطال خواهد شد، زیرا به نص صدرالمتالهین اتحاد دو شیء متحصل محال است. همچنین چون به اعتقاد صدرالمتالهین ماده از خود و اجزاء خود غایب است، بنابراین مبنایی برای اتحاد مذکور وجود نخواهد داشت.
۴. معاد که بر اساس حکمت متعالیه به سبب اتحاد نفس با صور ادراکی و بر مبنای تجرد نفس و علم است مخدوش خواهد گشت زیرا اگر علم مادی باشد، با مرگ و فناى بدن از میان خواهد رفت و تصویر بقای انسان بعد از مرگ جز به طریق اعاده معدوم ممکن نخواهد بود.
۵. نظریه وجود جوهر در معرض نقد جدی قرار می‌گیرد، زیرا یکی از دلایل اثبات جوهر نفسانی علم ما به خودمان است و مبنای این دلیل هم تجرد علم و تجرد نفس است. روشن است که با اثبات مادیت ادراک فرض وجود جوهر نفسانی یا ابطال خواهد شد و یا حداقل در معرض تأمل جدی خواهد بود.

لذا پرداختن به مسئله مادیت/تجرد ادراک امری بسیار مهم و ضروری است، از طرفی در حال حاضر در بین مکاتب فلسفه ذهن اعتناء چندانی به مکاتب دوگانه‌انگار، خصوصاً دوگانه‌انگاری جوهری (که مدنظر حکمت مشاء و متعالیه است) نمی‌شود (مسلمین، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۱۸). پرداختن به این مسئله از این جهت ضروری است که اگر حکمت متعالیه بخواهد در دنیای امروز و در بین مکاتب فلسفه ذهن حرفی برای گفتن داشته باشد، باید بتواند از ادعای خود مبنی بر دوگانگی جوهری نفس مجرد و بدن مادی (هرچند از یک نظر بدن از مراتب نفس است) دفاع کند.

### ۱-۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهشی مقایسه‌ای به این صورت که بین حکمت متعالیه و فلسفه ذهن در خصوص ادراک به بررسی و تحقیق پرداخته باشد، تاکنون انجام نشده است. لیکن پژوهش‌هایی یک‌جانبه و در یکی از طرفین بحث انجام شده است. به‌عنوان نمونه در خصوص نفس و مباحث تجرد نفس کتب و مقالات متعددی وجود دارد. در خصوص ادراک و توجیه مادی‌انگاران آن در فلسفه ذهن و عصب‌شناسی نوین مباحث زیادی مطرح شده است، لیکن تطبیق دقیق و نه مقایسه اجمالی و همچنین حکمیت بین

آراء فلاسفه شرق و غرب در خصوص مسئله مادیت/تجرد ادراک کاری است بی‌سابقه. اگرچه در خصوص ادراک و تجرد آن رساله‌ها و کتاب‌هایی نگاشته شده است، اما پژوهش حاضر نسبت به آن‌ها از جهات متعددی برتری دارد به‌گونه‌ای که می‌توان گفت در نوع خود بی‌سابقه است. جهات ویژه این رساله نسبت به کارهای مشابه:

۱. بسیاری از تحقیقات فقط دارای یک جنبه هستند یعنی یا تنها درباره ادراک در حکمت متعالیه می‌باشند و یا در باب ادراک در مباحث معرفت‌شناسی هستند، اما رساله حاضر جنبه تطبیقی دارد.

۲. جزئی سازی تحقیقات مذکور غالباً به قیمت صرف‌نظر از جریان‌ها دیگر است، اما چون رساله حاضر مسئله محور است (نه مکتب محور و فیلسوف محور)، ضمن داشتن تشخص و جزئیت از استدلال‌های همه جریان‌های مخالف تجرد سود می‌برد.

۳. جنبه منطقی بودن و کوشش برای رسیدن به بدیهیات اولیه و در یک کلام استدلالی محض بودن در این رساله مورد توجه است، به این جهت در هر یک از دو جانب از قوی‌ترین دلایل‌ها استفاده شده و از دلایلی که احیاناً جدلی یا اقناعی هستند پرهیز شده است.

۴. دلایل مشترک میان دو طرف مورد بحث قرار گرفته است، این کار سبب فراهم آمدن امکان گفتگو بین دو سنت متمایز فلسفی می‌گردد، بنابراین دلایلی که (به‌خصوص از جانب حکمت متعالیه) در فلسفه ذهن نظیری ندارد یا حداقل بررسی تطبیقی آن به مقدمات بعیده‌ای نیازمند است، از این پژوهش کنار گذاشته شده است.

در خصوص پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فیزیکالیسم یا مبحث مادیت و تجرد، همان‌گونه که اشاره شد کاری که به موضوع این پژوهش نزدیک باشد انجام نشده است، ولی به‌عنوان نمونه می‌توان موارد زیر را اشاره کرد:

- بررسی و نقد نظریه رفتارگرایی فلسفی، عبدالرسول کشفی، پژوهش‌های فلسفی، ۱۳۷۸
- بررسی و نقد برهان دنیل دنت در موافقت با سازگارگرایی، آرش خاکساری، حکمت و فلسفه، ۱۳۹۵
- فیزیک و فیزیکالیسم، مهدی غیاثوند، فلسفه علم، ۱۳۹۰
- نقد روایت پاول چرچلند از فیزیکالیسم حذف‌گرایانه، عبدالرسول کشفی، اندیشه دینی، ۱۳۸۷

و موارد متعدد دیگری که هیچ‌کدام به تحلیل دلایل مادیت ادراک از منظر صدرایی نپرداخته‌اند.

۱-۱-۴ - روش انجام پژوهش

روش انجام پژوهش فلسفی، روش عقلی و برهانی است، چراکه فیلسوف به عمق و ریشه پدیده‌ها می‌نگرد و نمودها را به بوده‌ها بازمی‌گرداند. فلاسفه مسلمان برای اثبات حجیت روش عقلی، مباحث حجت و صناعات خمس منطق را پیش کشیده‌اند. آن‌ها تنها قیاس برهانی را حجت یقین آور می‌شمارند، لذا مشروعیت روش پژوهش فلسفی - که همان برهان است - در علم منطق اثبات می‌شود؛ بنابراین پژوهش فلسفی باید صرفاً مبتنی بر روش تعقلی و برهانی باشد.

دلیل انتخاب روش برهانی این است که در سایر شاخه‌های علوم انسانی شاید بتوان روش‌های مختلف مبتنی بر پیش‌فرض‌های فلسفی متفاوتی را برشمرد، ولی نه‌تنها صحت همه روش‌های مذکور درگرو تأیید فلسفی/عقلی آن‌هاست، بلکه در حوزه پژوهش فلسفی غیر از روش برهان روش دیگر اصولاً متصور نیست تا بتوان آن را برگزید. لذا ناگزیر به استفاده از روش برهان هستیم. البته این نکته شایان ذکر است که در پژوهش‌هایی که روش کار در آن‌ها طریق تجربی باشد، از دستاورد-های تجربی آن رشته استفاده خواهد شد. به‌عنوان نمونه بنا نیست یافته‌های عصب‌شناسی را با برهان مورد بررسی قرار دهیم، بلکه نگاه محقق به این یافته‌ها نگاهی فلسفی خواهد بود.

شیوه انجام پژوهش به این صورت است که در ابتدا محل نزاع به‌صورت کامل شفاف و روشن خواهد شد، سپس اقوال و حجج طرفین نقل و شرح خواهد شد و نهایتاً پژوهشگر با روش برهانی به حکمیت بین آراء خواهد پرداخت.

در این پژوهش ابتدا به مرور ادبیات موضوع و تعاریف می‌پردازیم، سپس دلایل اقامه‌شده برای اثبات نظریات فیزیکیالیستی و یگانه‌انگارانه را در دو دسته کلی دلایل رد نظریات دوگانه‌انگاری و دلایل اثبات نظریات یگانه‌انگاری مورد بررسی و تحلیل و دسته‌بندی قرار می‌دهیم. سپس در فصلی جداگانه همان روش را برای دلایل اثبات مجرد نفس صدراپی به کار می‌گیریم. با این کار اصول کلی قائلین به مادیت ادراک و همچنین اصول کلی مجرد ادراک صدراپی احصاء می‌شود و می‌توانیم در فصل نتیجه‌گیری پژوهش به مقابله و داوری بین این اصول بپردازیم.

از آنجایی که در فصل اول پژوهش با استفاده از منطق فازی به ارائه تعریفی جدید از امر مادی و مجرد می‌پردازیم، ممکن است این شائبه ایجاد شود که روش پژوهش و نقد و تحلیل استدلال‌ها هم با استفاده از منطق فازی است، در اینجا لازم است تصریح گردد که روش نقد دلایل مطرح‌شده در این پژوهش مبتنی بر منطق ارسطویی بوده و منطق فازی صرفاً برای بازتعریف امر مادی و مجرد استفاده شده است.

## ۱-۱-۵ - سؤالات پژوهش

۱. مبنا یا مبانی استدلال‌های فلاسفه فیزیکیالیست چیست؟ مراد از مبنا و اصول مشترک، این است که گرایش‌های فیزیکیالیستی فلسفه ذهن به‌رغم اختلاف در برخی از مبانی در چند اصل با یکدیگر اشتراک دارند. با عنایت به پرسش ویژه این رساله، هدف ما بررسی و نقد همان اصول مشترک است.

بر این اساس ویژگی‌های هیچ‌گرایش فیزیکیالیستی خاصی از فلسفه ذهن محل بحث ما نیست، بلکه مراد از این سؤال اصولی است که در همه‌گرایش‌های فیزیکیالیستی با مجرد ادراک منافات دارد.

۲. پاسخ ملاصدرا به مبانی فوق چیست؟ اگرچه مباحث فلسفه ذهن و گرایش‌های مذکور مستقیماً در کتب فلسفی ما ذکر نشده است، ولی فروکاست مسئله مذکور به چند اصل که در پرسش اول به آن اشاره شد سبب می‌شود که بتوان پاسخ حکمت متعالیه به اصول مذکور را استنباط کرد، به‌گونه‌ای که اگر در زمان حال مرحوم صدرالمتالهین در قید حیات بودند با توجه به اصول و مبانی حکمت متعالیه همین پاسخ‌ها یا پاسخ‌هایی نزدیک به این موارد می‌دادند.

۳. دلایل متقن صدرالمتالهین در خصوص مسئله مجرد ادراک چیست؟ مراد از این سؤال نیز احصاء همه دلایل مجرد نفس صدراپی نیست، بلکه مقصود آن است که دلایلی که هم در فلسفه اسلامی و هم در فلسفه ذهن ذکر شده‌اند مورد بررسی قرار گیرند تا فهم مشترکی برای داوری حاصل شود. برای نیل به این مقصود مقایسه پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌های اول و دوم راهگشا است. واضح است که برخی دلایل صدرالمتالهین در فضای فلسفه ذهن امروز قابل‌بحث نیست.

۴. موضع نهایی پژوهشگر در باب مجرد ادراک چیست؟ بعد از بررسی پاسخ‌های صدرالمتالهین به موارد ذکرشده پژوهشگر با نگاه بی‌طرفانه صحت و سقم پاسخ‌ها را بررسی کرده و نهایتاً نظر خود را به‌عنوان داور در این امر اعلام می‌کند.

#### ۱-۱-۶ - فرضیه‌های پژوهش

۱. به‌رغم وجود اختلاف بین گرایش‌های مادی‌گرایانه فلسفه ذهن، حداقل چند اصل میان آن‌ها مشترک است:

(الف) هیچ امر متافیزیکی که به نحوی قابل تبیین با قوانین ماده نباشد، وجود ندارد و تبیین‌های مادی برای صفات و خواص ادراک کافی هستند یا به‌زودی با پیشرفت علوم، کافی خواهند بود.

(ب) تفاوتی میان علم از ناحیه تقسیم آن به حضوری و حصولی وجود ندارد و همه علوم تبیین مشترکی خواهند داشت.

(ج) مسئله تعامل نفس و بدن بدون تبیین‌های طبیعی ناگشوده خواهد بود.

۲. پاسخ‌های صدرالمتالهین به این دلایل:

(الف) ضمن قبول نتایج علوم جدید و پذیرش تأثیرات ماده در ادراک، باید به این نکته توجه داشت که حقیقت ادراک دارای صفاتی است که آن صفات قابل تبیین با قوانین مادی نیستند، بنابراین در ساحت ادراک با نوع دیگری از وجود سروکار داریم. اگرچه این امر به معنای دوگانه‌نگاری دکارتی نیست.

ب) تقسیم علم به حصولی و حضوری حاصل حصر عقلی است و گرچه این دو نحوه علم شباهت- های فراوانی دارند، ولی تمایز اصلی آن‌ها در این امر است که علم حضوری خطاپذیر نیست؛ و همین امر کلید حل مسئله مجرد ادراک در فلسفه اسلامی است.

ج) آنچه سبب دشواری مسئله رابطه نفس و بدن است فرض دو حقیقت وجودی از آغاز مباین است (نگاه سینوی)، اما اگر نفس و بدن دو مرتبه یک حقیقت واحده ذومراتب باشند، دیگر چنین مشکلی وجود نخواهد داشت، تبیین کامل این امر وابسته به نفس شناسی حکمت متعالیه و درک صحیح سیر حرکت جوهری اشتدادی نفس انسانی است.

۳. در بسیاری از دلایل بر علم حضوری و در پاره‌ای از آن‌ها بر خصلت‌های خود ادراک تأکید شده است، به عبارت دیگر آن‌ها دو دسته اصلی اند: دلایلی که تأکید بر مدرک است و دلایلی که تأکید بر ادراک است. به تفصیل، دلایل مذکور عبارت‌اند از: برهان انسان معلق در فضا، انقسام ناپذیری «من»، کلی نبودن مفهوم «من» (که از کاربردهای دلیل حیث التفاتی است).

۴. در مقام فرضیه، احتمال اتقان دلایل ملاصدرا اجمالاً مورد تأیید است، ولی نتیجه نهایی در انتهای پژوهش مشخص می‌گردد. این فرض نیز قوی است که رأی ملاصدرا با برخی از گرایش‌های فلسفه ذهن (مانند شبه‌پدیدارنگاری) که مرز قاطعی میان مادیت و مجرد قائل نیستند همسو باشد، خصوصاً این‌که صدرالمتالهین نفس انسان را در بدو امر مادی می‌داند و نفس در طول سیر تکاملی- اش، به واسطه حرکت اشتدادی جوهری به مجرد تبدیل می‌شود. لذا شاید بتوان مرز مشترکی بین دیدگاه صدرای و گرایش ذکرشده در فلسفه ذهن یافت به گونه‌ای که آسیبی به نظام حکمت صدرایی هم وارد نگردد.

## ۲-۱- بخش دوم: ادبیات پژوهش

### ۱-۲-۱- مادی و مجرد

#### ۱-۱-۲-۱- مقدمه

بیشتر تعاریف ارائه شده برای مادی و مجرد به گونه‌ای هستند که ابتدا امر مادی تعریف می‌گردد، سپس امر مجرد به گونه سلبی (سلب ماده، خواص ماده یا وابستگی به ماده) تعریف می‌شود: مجرد آن چیزی است که مادی نیست. ایراد وارد به این گونه تعاریف سلبی این است که دیگر نمی‌توان بین شیء اول و سلب آن شیء، حد واسط و شیء سومی تعریف کرد. لذا بر اساس این گونه تعاریف نمی‌توان بین ماده صرف و مجرد تام دسته دیگری از امور (مثلاً مجرد برزخی) را تعریف کرد. در این قسمت از پژوهش سعی شده ابتدا تعاریف موجود در خصوص مادی و مجرد بررسی شود، سپس نشان داده شود که با توجه به نظر صدرالمتالهین در خصوص حرکت جوهری اشتدادی نفس ناطقه، لازم است بین مادی صرف و مجرد تام طیفی از امور داشته باشیم، طیفی شامل مادی محض، اندک تجرد نفس نباتی، تجرد مثالی، تجرد عقلی و فوق تجرد و همچنین مراتبی باید بین این مراتب ذکر شده وجود داشته باشد. آنگاه نشان می‌دهیم که این نگاه طیف گونه به اشیاء با تعاریف مبتنی بر حصر عقلی و به طریق اولی با تعریف سنتی مادی-مجرد (تعریف دوگانه ایجابی - سلبی) سازگار نیست. نهایتاً بیان می‌کنیم که نمی‌شود تعریفی جامع برای امری که واحد شخصی ذومراتب است و مرتبه ادنی آن ماده جسمانی و دارای امتداد است و مرتبه اعلی آن مجرد تام عقلی است، ارائه داد؛ و در پایان با اشاره مختصر به منطق فازی بیان می‌کنیم که باید به گونه‌ای فازی به مسئله نگاه کرد؛ و تعریف جدیدی با استفاده از منطق فازی ارائه می‌دهیم.

علامه طباطبایی در اصول فلسفه بیان می‌کند که لودویگ بخر<sup>۱</sup> در مقاله پنجم از شرحی که بر نظریه داروین نوشته است به تفصیل در خصوص قدمایی که معتقد به ماده‌انگاری بوده‌اند صحبت کرده است، هرچند علامه طباطبایی نظر وی را نمی‌پذیرد و معتقد است از بین قدما فقط دیمقراطیس و اپیکور و پیروانشان منکر تجرد روح و همچنین منکر بقای نفس انسانی بعد از مرگ بوده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴-۲۶).

سال‌ها پس از آن (حدود قرن شانزدهم) در اروپا طرفدارانی برای نظریه «عدم بقای نفس بعد از مرگ» پدیدار شدند. ظاهراً اولین بار در سال ۱۵۱۶ شخصی به نام پطرس بومبوناتیوس<sup>۲</sup> کتابی نوشت در رد نظر ارسطو در خصوص تجرد روح، پس از آن بود که چنین عقایدی رواج یافت و رساله‌های متعدد در این خصوص نگاشته شد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۶).

<sup>۱</sup> Ludwig Büchner ماتریالیست آلمانی معروف قرن نوزدهم.

<sup>۲</sup> Petros Bombonatius (Петрус Бомбонатиус)